

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

احمد مزارعی
۱۰ اکتوبر ۲۰۱۹



در عراق چه می گذرد، تحلیل حوادث عراق از دیروز تا امروز



Thaier Al-Sudani

مقدمه:

اختلاف بنی عباس و بنی هاشم و یا سنی و شیعه، در دوره حکومت‌های اسلامی تا قبل از به قدرت رسیدن عثمانیها وجود داشت اما حاد نبود، با پیدایش حکومت شیعی صفوی که حرکتی سیاسی در جهت مستقل کردن ایران از عثمانی سنی بود اختلاف و جنگ و کشتار میان این دو برای تسلط بر سرزمینهای منطقه آغاز گردید . یکی لعن عمر و دیگری

لعن علی که البته هیچ کدام از طرفین نه به علی و نه به عمر باور نداشتند بلکه برای حفظ منافع لعن این دو را در رأس سیاستهای تبلیغاتی خود قرار داده بودند و در این میان شیعیان عراق که زیر سلطه عثمانی بودند در معرض بدترین تجاوزات قرار گرفتند و به عکس هم درست است، سوزاندن سنیها در ایران و اصطلاح پدر سوخته یادگار این دوره است.

پس از جنگ جهانی اول و تجزیه عثمانی عراق سهم استعمار انگلیس شد و عراقیها با اکثریت شیعه در رنج و محرومیت به سر می بردند. در دوره مذکور سنیهای عراق از امتیازات زیادی برخوردار بوده و طبقه اداری، روشنفکران و دیوانسالاری عراق و مدیریت کشور به طور عموم، در دست سنیهای مورد حمایت عثمانی بود و به عکس شیعیان در فقر و فاقه، بیسوادی، جهل و بی حرمتی به سر می بردند، بعد از سقوط عثمانی در جنگ جهانی اول، استعمار انگلیس حاکم منطقه شد و عراق نیز سهمیه انگلیس گردید. اما انگلیس نیز سیاست فشار بر شیعیان را بدتر از عثمانیها ادامه داد، زیرا نمی خواست شیعیان عراق تقویت شده چون در آن صورت می توانستند با ایران شیعه متحد شده و قدرتی در برابر انگلیس تشکیل دهند، لذا سیاستهای ضد شیعی دوره عثمانی را به طرق مختلفی ادامه دادند که در نتیجه اکثریت شیعیان همچنان در فقر و جهل و بیسوادی ماندند.

این دوره مقارن جنبش تنباکو است و فتوای بسیار مهم "میرزای شیرازی" مبنی بر تحریم تنباکو ضربه ای سخت بر قرارداد تنباکو وارد آورد. میرزای شیرازی در این زمان درسامرای عراق به سر می برد، عراق به طور کامل در زیر سیطره استعمار انگلیس قرار داشت.

آغاز جنبش ضد استعماری در عراق و مقاومت مسلحانه در نجف

فتوای میرزای شیرازی، جنبش ضد استعماری در عراق را باعث شد و ملت عراق با روی آوردن به روحانیت شیعه در نجف به جنب و جوش درآمدند. در این دوره در ایران نیز جنبشهای گوناگونی علیه استبداد و استعمار در جریان است، ناصرالدین شاه چند فرمان قانونی صادر کرده و ایران به سوی انقلاب مشروطه در حرکت است. در روسیه نیز بلشویکها تمرینات قبل از انقلاب را تدارک می بینند، آوازه افسانه ای قدرت بلشویکها و حمایتشان از ملل مظلوم در منطقه از جمله ایران و عراق پیچیده است، هسته های اولیه حزب کمونیست عراق در همین دوره تشکیل می گردد، در همین دوره حزب کمونیست و یا گروه کمونیستهای عراقی یک نماینده به روسیه می فرستند، آیت الله "خالصی" از علمای بزرگ عراق با نوشتن نامه ای به لنین درخواست کمک برای خلاصی از استعمار می نویسد، خانواده آیت الله خالصی تا به امروز در عراق در موضع ترقیخواهی قرار دارند. در زیر تأثیر جنبش در ایران، علمای نجف با مردم عراق هماهنگی کرده و گامهای اولیه در جهت استقلال عراق برداشته می شود. شیعیان عراق از ظلم و ستم چند صد ساله عثمانی و استعمار جدید انگلیس به جان آمده و دست به دامن علمای نجف می شوند، جنگ مسلحانه با اسلحه سرد و گرم علیه انگلستان به راه می افتد. نجف به مرکز و رهبری مقاومت ضد انگلیس تبدیل می شود. خشم مردم از فجایع عثمانیها و استعمار انگلیس بر افروخته می گردد، انگلیسیها نجف را محاصره و اهالی را زیر تحریم قرار می دهند، علمای سنی به ویژه علمای شهر فلوجه، معروف به شهر «هزار مسجد» و... به کمک نجف می شتابند از همین فلوجه آنوقه های فراوانی شبانه و مخفیانه به درون نجف انتقال داده می شود، مقاومت دو مرکز بزرگ شیعه و سنی یعنی نجف و فلوجه سر سخنانه به جنگ استعمار می روند و سرانجام در سال ۱۹۲۰، میلادی استعمار انگلیس در زیر فشار مقاومت مسلحانه ملت ستمدیده عراق مجبور می شود استقلال عراق را به رسمیت بشناسد. پس از پیروزی همه علمای بزرگ نجف پیاده و یا با الاغ و استر و شتر به شهر فلوجه رفته و همه در میدان بزرگ شهر گرد می آیند و استقلال عراق را اعلام می نمایند.

متأسفانه در این مرحله به واسطه ضعف شیعیان در نداشتن نیروهای اداری و ساستمدار، استعمار انگلیس قانون اساسی را طوری تنظیم می کند که مراکز کلیدی همچنان در دست سنیها بماند و بدین شکل مجدداً شیعیان آنچنان که باید در دولت شرکت ندارند و کارهای دولتی عمدتاً به دست سنیها می افتد. شیعیان اینبار نیرمجبوراند به کارهای کشاورزی مغازه داری، عملگی، دستفروشی و روضه خوانی و.... / بپردازند اما تعدادی از شیعیان در دولت پستهای خوبی می گیرند. از جمله جد پدری همین نوری مالکی که اکنون در عراق جایگاه مهمی دارد، به وزارت فرهنگ منصوب می شود، وی در زمان خود یکی از ادبای معروف عراق بوده است و گزارش کابینه را به وسیله سرودن شعر فی البداهه قرائت می کرده و لقبش نیز «ابو المحاسن» بوده است.

دروضعیت شیعیان تغییرات اساسی اتفاق نیفتاد تا در سال ۱۹۵۸، عبد الکریم قاسم شیعی علیه ملک فیصل شاه دست نشاندۀ انگلیس کودتا می کند، در این دوره احزاب ملی از جمله حزب بعث، کمونیست و اسلاميون حضور داشته و از عبد الکریم قاسم حمایت کردند، می توان گفت عبد الکریم قاسم به نوعی خط دکتر محمد مصدق را دنبال می کرد، ملی کردن شرکت نفت، اصلاحات ارضی و بسیاری اقدامات مفید دیگر که انجام داد و عراق در مسیر تازه ای قرار گرفت. در این زمان امریکا و انگلیس زمان ریاست جمهوری کمیل شمعون رئیس جمهور لبنان، در بندر بیروت نیروی نظامی پیاده می کنند تا عبد الکریم قاسم را سرنگون کنند، اما التیماتوم شدید اللحن حزب کمونیست شوروی آنان را در بیروت میخکوب می کند، بنا به نوشته زکی خیری عضو کمیته مرکزی حزب کمونیست عراق، روسها طی یادداشتی که از طریق حزب کمونیست عراق برای عبدالکریم قاسم فرستادند، هشدار دادند که امریکائیا درصدد آن هستند تا برنامه کودتای مصدق را در عراق عملی کنند. در این دوره نزدیک به ششصد هزار نفر از فقرای شیعه در اطراف بغداد کپرنشین بودند و شهرداری بغداد به طور دایم با این کپر نشینان درگیری داشت و بارها کپرها را به آتش کشیدند اما چون جای دیگری نداشتند مجدداً کپرشان را در منطقه دیگری برپا می کردند.

عبدالکریم قاسم با تشکیل کمیته ای از سه وزارتخانه کشور، مسکن و دارائی تصمیم می گیرد برای کپر نشینان خانه بسازند که بعدها این منطقه نام «مدینه الثوره» یعنی انقلاب علیه شاه، به خود می گیرد. ساکنان عمده این مطقه فقرای شیعه بوده و خاندان صدر که اکنون جزء نیروهای انقلابی عراق به شمار می آیند در اندوره جزء روحانیان مترقی و مدافعان مردم به حساب می آمده اند. صدام حسین بعد از کودتا علیه عبد الکریم قاسم در سال ۱۹۶۲، که با کمک امریکا انجام گرفت نام این شهر را به «مدینه الصدام» تغییر داد که پس از سقوط صدام به «مدینه الصدر» تغییر نام داده است، بد نیست بدانید که اکثریت خانواده صدر از زن و کودک و روحانی به دست مأموران صدام قتلعام شدند. روحانیان خاندان صدر بسیار شجاع بوده و بدون این که از مرگ بهراسند به انتقادهای شدیدی علیه صدام می پرداختند، اینها از مدافعان سر سخت حقوق ملت ستمدیده عراق بودند. کمونیستهای عراق در این دوره از بزرگترین پشتیبانان عبد الکریم قاسم و اصلاحات انقلابی وی بودند و مهمتر این که غالب فعالان حزب کمونیست عراق برخاسته از خانواده های فقیر شیعه عراق بودند، حزب کمونیست عراق در سازماندهی فقرای شیعه نقش برجسته ای داشت و در دوره های بعدی موفق شدند شعارهای حسینی روزهای عاشورا را تبدیل به شعارهای سیاسی و طبقاتی کنند که رادیکالیسم مقتدی صدر و صدیقیهای عراق امروز ریشه در مبارزات طبقاتی و سیاسی آن دوره دارد. در این برهه امریکائیا با کمک بعثیها قاسم را سرنگون و به قتل رساندند و کمونیستها نیز تاوان سنگینی برای همکاری خود با قاسم پرداختند.

در دوره صدام شیعیان ذلیل و تحقیر شده بودند، همیشه از آنان به عنوان جاسوسان ایران نام برده می شد و البته شیعیان بارها برای رهائی از ظلم و ستم حاکمان فاشیستی سنی در عراق دست به عصیانهای گوناگونی زدند که شرح قیامها و مبارزات آنها را باید جداگانه نوشت. این که می نویسم سنیهای فاشیست مغرضانه نیست، بلکه بنا به یک سنت تاریخی

سنيها با شيعيان كينه توزانه برخورد مي كنند كه مجال توضيحش در اينجا نيست مركز مطالعاتي حنيفيه در لندن كتاب جامعي در اين مورد منتشر کرده است.

بدنيست حدود كينه توزي صدام حسين را با شيعيان بدانيد. در زمان حسن البكر حافظ اسد براي چند روز به عراق آمده و منشور وحدت و حزب بعث عراق و سوريه را نوشتند و حسن البكر نيز آن را امضاء نمود، اما صدام عليه بكر كودتا کرده و هزاران نفر عراقي سرشناس كه به اين منشور رأي داده بودند قتلعام شدند ، صدام حاضر نبود مذهب سني را كه به عنوان مذهب رسمي در قانون اساسي عراق تأييد شده بود حذف كند و اين با تفكرات سكو لاريستي حافظ اسد رئيس جمهور وقت سوريه مغاير بود، منشور وحدت ابتداء توسط دودولت عراق و سوريه نوشته شد، اما صدام بنا بر تفكرات قبيله ئي و تعصب سني گري كه داشت عليه حسن البكر كودتا كرد و منشور وحدت را برهم زد.

از طرفي منشور وحدت ميان عراق و سوريه به ضرر امريكا و اسرائيل در منطقه بود و امريكائيها در ادامه از سياستهاي صدام پشتيباني به عمل آورده و كار را به جائي كشاندند كه عليه ايران وارد جنگ شد كه اين موضوع بحث ديگري مي طلبد.

تعداد اعضاي حزب بعث عراق در زمان سقوط صدام به وسيله امريكا سه ميليون و سه صد هزار نفر بود كه به طور عمده پستهاي كليدي كشور را در شهر و روستا به ويژه در مراكز علمي، اقتصادي و نظامي در دست داشتند و نسبت به ايران و ايراني كينه داشته و عروج شيعيان را هم بر نمي تافتند. اكثريت بعثيه در اين دوره همه نيروي خود را در خدمت امريكا، زرقاوي ، القاعده و داعش گذاشتند تا از شر شيعيان «دهاتي و عقب مانده» نجات پيدا كنند و البته بخشي از بعثيه نيز به شيعيان پيوسته و با شيعيان همكاري كردند، در دوره نخست وزيري مالكي اقدامات زيادي براي برگرداندن بعثيه در كارهاي دولتي انجام شد، دولت شيعي بارها با ارسال هواپيما به اروپا و دادن امكانات، بخشي از كادرهاي آنها را بازگرداند زيرا در عراق و درميان شيعيان افراد متخصص بسيار كم بودند و هنوز هم اين كمبود به شدت وجود دارد، بخشي از نظاميان بعثي نيز به آموزش نظامي نيروهاي مقتدي صدر كمك کرده تا به جنگ امريكائيها بروند.

هدف امريكا اين بود كه ابتداء با كمك شيعيان و كردها صدام را سرنگون کرده و سپس با كمك بعثيهاي شكست خورده شيعيان را براندازد و ايران را از عراق بيرون کرده و عراق را به سه قسمت : سني شيعه و كرد تقسيم كند، اما شيعياني كه پس از نزديك به چهارصد سال ستم و تحقير به قدرت رسيده بودند ديگر حاضر نبودند به زمان نكبتبار گذشته بازگردند و از طرفي اين سياست حيله گرانه و تبهكارانه امريكا با سياستهاي ژئوپلتيكي ايران در منطقه خوانائي نداشت

لذا : **«خندنگ مارخور بامارش جفت قضا هم خنده زد هم آفرين گفت».**

در سال ۲۰۰۲ كه افغانستان اشغال شده بود ، اين سؤال در امريكا مطرح بود كه ابتداء عراق و يا ايران، کدام يك را اشغال كنيم ، "اسكات ريتر" از فرماندهان با تجربه نظامي امريكا همه را قانع كرد كه ابتداء عراق را اشغال كنيم و بعد از آن ايران به راحتی در چنگ ما خواهد بود. در همان زمان بشار اسد به ايران آمده با نظاميان ايران و مخالفان عراقي صدام كه نظامي بودند قراردادي نوشتند كه اجازه دهند امريكائيها عراق را اشغال کرده و در سراسر عراق منتشر شوند، زيرا در آن برهه توانائي ايستادگي در برابر ارتش چند صد هزار نفري امريكا را نداشتند. سپس پس از ورودشان جنگ چريكي عليه امريكا را آغاز كند و كردند و امريكارا از عراق بيرون ريختند، قاسم سليماني از پيش برندگان اصلي جنگ چريكي عليه امريكا بود و جنرال پترايس فرمانده ارتش امريكا در عراق، بارها ملتمسانه از سليماني درخواست ملاقات كرد كه پاسخي دريافت نكرد. امريكائيها در سال ۲۰۱۱، پس از شكست خفت بار خود مجبور شدند شبانه به سوي مرزهاي كويت بگريزند. يكي از نيروهاي اصلي كه در جنگ ضد امريكائي شركت داشت نيروهاي مقتدي صدر بود كه به نام «جيش المهدي» معروف شده بود، در حقيقت آنها وساير ستمديدگان شيعه در عراق، انتقام چهارصد سال

تحقیر و درد و رنج خود را از امریکائیهای اشغالگر که اکنون با بعثیها در به بردگی کشاندن مجدد شیعیان شریک شده بودند، می گرفتند. در دوره هائی طولانی که عراقیهای فقیر در کومه ها و کپرهای اطراف شهرهای بزرگ و کوچک عراق زندگی می کردند علمای شیعه خاندان صدر از آنها دفاع می کردند و در این راه بیشترین قربانیها را نیز همین خاندان پرداخت کردند.

شیعیان عراق پس از نزدیک به چهارصد سال درد و رنج و تحقیر و فقر و فاقه به قدرت رسیدند و این در حالی بود که اکثریت قریب به اتفاق مدیران و مسؤولان کشوری و لشکری را سنیهای بعثی تشکیل می دادند که شدیداً با شیعه و حکومت شیعی مخالف بودند، لذا طبیعی بوده و هست که آنها از درون براحتی می توانند معادلات را نه به نفع خود بلکه در جهت خراب کردن حکومت شیعی و به قیمت تخریب عراق اقدام کنند و امریکا، عربستان، ترکیه، امارات، اردن، اروپا و اسرائیل نیز با کمال میل برایشان داعش و انواع تروریستهای بین المللی به طور مجانی تربیت کرده و به عراق ویا مرزهای این کشور می فرستند. در دوره جنگهای تروریستی علیه عراق و سوریه که پس از برسر کار آمدن شیعیان آغاز شد، بیشتر نظامیان عالیرتبه بعثی بودند که البته با استفاده از امکانات لجستیکی امریکا، عربستان، اسرائیل و... به کشتار شیعیان و تخریب مؤسسات دولتی دست می زدند که اکنون هم کم و بیش ادامه دارد. القاعده، زرقاوی و اخیراً داعش همه در خدمت امریکا بودند که نظامیان بعثی سازماندهی آنها را بعهده داشتند البته ترکیه و اردن نیز در این عملیات نقش برجسته ای داشتند. و تو خود حدیث مفصل.../

دولت شیعی فعلی عراق سخت استقلال طلب و لذا قدرتمند است، عبدالمهدی نخست وزیر این کشور پیشینه مبارزات کمونیستی دارد البته شیعه نیز می باشند، امروز عراق شیعه کشوری است که آزادیهای دموکراتیک در آن به رسمیت شناخته شده است. در سال ۲۰۰۵ هنگامی که مالکی نخست وزیر شد، آزادی احزاب، اجتماعات، آزادیهای شخصی در مورد زنان و مردان، آزادی مطبوعات، آزادی انتقاد به هر شخصی، آزادی دینی و بی دینی، آزادی حجاب و بی حجابی، آزادی شرکت زنان در همه فعالیتهای اجتماعی و سیاسی، نسبت تعداد شرکت زنان در پارلمان عراق بیست و پنج درصد است در حال حاضر تعداد اعضای پارلمان عراق ۳۲۹ و اعضای زن در آن ۸۵ نفر است، آزادی احزاب کمونیستی و اجتماعات و جلسات و فروش نشریات آزادانه آنها، آزادی رقص و رقص خانه ها، کاباره ها، مشروب فروشها و همه را به شکل قانونی در عراق به رسمیت شناخته شده است.

این عراق شیعی مستقل و دموکرات مورد کینه و نفرت همه مرتجعان و استعمارگران منطقه و جهان قرار دارد. هشت سال جنگ مستقیم امریکا و صدها هزار قطعات گوناگون جنگ افزار، و پیمان ناتو و ارتجاع منطقه و ترکیه و اسرائیل و بیش از یک صد کشور دیگر، نتوانست این ستمدیدگان به پا خاسته از ستم چهارصد ساله را به زانو در آورد، هنوز بخشهایی از عراق منطقه الانبار که هم مرز با عربستان و اردن می باشد کاملاً آزاد نشده و امریکا از این دوزخ انواع تروریستها و جاسوسان خود را برای تخریب عراق می فرستد. قابل ذکر است که ایران نیز سرسختانه در کنار ملت عراق ایستاده است.

سفارت امریکا در عراق به مثابه بزرگترین لانه جاسوسی منطقه در بغداد علیه ملت و دولت این کشور عمل می کند، اما دولت عراق به همراهی با ایران آنقدر با مهارت عمل می کنند که غالب توطئه های این لانه را خنثی کرده اند. عراق قراردادی با امریکا دارد که براحتی نمی تواند لانه جاسوسی را ببندد اما دولت عراق از طریق مبارزه سیاسی نامتقارن می کوشد امریکا و مزدورانش را در عراق فرسوده کند و تا حد زیادی هم موفق شده است. دولت عراق نمی خواهد با اقداماتی عجولانه خود را درگیر تحریمها و سایر فشارهای امریکا کند، از طرفی عراق دروازه ای امن برای اقتصاد ایران است و ایران از طریق عراق در شکل تجارت و تأسیس شرکتهای ساختمانی و صنعتی، فروش مواد سوختی، گاز و

برق تجارت و توسعه اقتصادی میان دوکشور می تواند سالانه دهها میلیارد دلار ارز به دست بیاورد. عراق تا کنون توانسته است با درپیش گیری سیاستهای هوشمندانه اولاً غالب خرابکاریهای امریکارا خنثی سازد و ثانیاً توانسته است با برقراری روابط با کشورهای روسیه، چین و امریکای لاتین آرام آرام به اوضاع داخلی خود سروسامان داده و با دولت سوریه رابطه ای حسنه داشته باشد به جنبش فلسطین و حزب الله لبنان کمکهای مالی می کند. از جمله می توان به اقدامات زیر که برای امریکا بسیار نا خوشایند است دست بزند:

* - مسافرت نخست وزیر عراق عبدالمهدی (قبلاً از پیروان مانو بوده است) به چین به همراهی مجموعه ای از شخصیتهای گوناگون مؤثر عراقی و انعقاد قراردادهای بزرگی برای ساخت صنایع زیر بنائی در عراق تا این کشور را به سوی خودکفائی بیشتر سوق دهد و این قراردادهای کلان هنگامی بسته می شود که امریکا در حال جنگ اقتصادی با چین است.

* - عراق طی قراردادی کلان با شرکت زمینس المان برای بازسازی صنایع برق عراق، همه پیشنهادات مناسب شرکت «جنرال الکترونیک» امریکارا رد کرد

* - عراق دولت و ملت سخت درمقابل برنامه ضد فلسطینی معامله قرن ایستادگی کرده و با راه انداختن تظاهراتی بسیار عظیم در خیابانهای شهرهای عراق در دفاع از ملت فلسطین دولت صهیونیستی اسرائیل را محکوم کردند.

* - دولت عراق و شخص عبدالمهدی تجاوز به مراکز حشد الشعبی به وسیله اسرائیل را محکوم کرده و این اقدامات را جنایتکارانه خواند و اسرائیل را محکوم و برای دولت عراق این حق را قایل شد که به این تجاوزات پاسخ دهد.

* - دولت عراق علاقه مندی خود را برای خرید سلاحهای روسی به ویژه اس ۴۰۰، اعلام نمود، عبدالمهدی پس از آن که اسرائیل را مسؤل بمباران مراکز حشد الشعبی دانسته و آن را محکوم نمود، تصمیم به خرید سلاحهای مدرن روسی گرفت.

* - اما مهمترین اقدام عبدالمهدی و دولت شیعی عراق درمقابل یکی از خط قرمزهای مهم امریکا در منطقه، افتتاح و باز نمودن گذرگاه بسیار مهم «قائم - بوکمال» میان عراق و سوریه بود که راه مستقیم میان تهران - بغداد - دمشق - بیروت را به هم وصل می کند از همه مهمتر کشورهای آسیای میانه و چین و روسیه نیز از این پس می توانند خطوط تجارتي خود را با این مسیر هماهنگ کنند. افتتاح این معبر مقاومت منطقه و یا محور مقاومت را هم از نظر لجستیکی علیه اسرائیل بسیار تقویت می کند.

با در نظر گرفتن مجموعه مسائل منطقه عجیب نیست که امریکا با تمام امکان منطقه ئی و بین المللی که در اختیار دارد به طور دائم می کوشد از طریق هزاران نفوذی در سراسر عراق و منطقه اجازه ندهد مسیر کارهای دولتی در عراق به آسانی پیش برود دولت عربستان با صرف میلیاردها دلار در سال می کوشد به ناراحتیها در عراق به ویژه در میان سنیها دست بزند به ویژه که استان بزرگ الانبار هم مرز با دو کشور عربستان و اردن است. از طرفی دولت بعد از سرنگونی صدام در عراق دارای بنیه ضعیفی است زیرا طی بعد از سال ۲۰۱۱ که جنگ اشغال عراق به پایان رسیده جنگهای گسترده تروریستی در شکل داعش و القاعده و دهها شکل دیگر ادامه پیدا کرده و فرصت بسیار کمی برای دولت در عراق وجود داشته است تا با خرابیها و خرابیهای که هر روز به وسیله عملیات تروریستی اتفاق می افتد مبارزه کند. کردستان عراق نیز خود به مثابه مرکزی اسرائیلی - امریکائی است که دائماً برای دولت مرکزی عراق مشکل ایجاد می کند، امریکا بدون اجازه دولت مرکزی عراق و با کمک بارزانی چند مرکز نظامی و جاسوسی ایجاد کرده است، اسرائیل مرکز جاسوسی دائمی در کردستان دارد. البته همه اینها بر دولت عراق پوشیده نیست و دولت با درپیش گیری سیاستهای صبورانه همه اینها را خنثی خواهد کرد.

تظاهرات روزهای اخیر در عراق

در عراقی اینچنینی طبیعی است که فساد، رشوه، عملکردهای طایفه‌ئی، قبیله‌ئی وجود داشته باشد و طبیعی است این دولتی که تا هم اکنون درگیر خرابیهای گسترده هشت سال جنگ دوره اشغال که تا سال ۲۰۱۱، به طول انجامید و همچنین عملیات تروریستی دوره بعد از جنگ و عملیات نفوذی گسترده نیروهای داخلی همچون داعش، القاعده، دخالتها و بمبارانهای عمده «ائتلاف بین المللی» و بیگانه باشد، نتواند بر غالب مشکلات غلبه کند، از آنسو در این کشور تظاهرات آزاد است وبعثیهای نفوذی و عوامل امریکائیها با امکانات گسترده داخلی، منطقه‌ئی و بین المللی که دارند بتوانند هم تظاهرات به راه بیندازند و هم آن را به خشونت بکشند، سخنگوی دولت عراق در تلوزیون رسمی اعلام نمود که فلم و عکس کسانی را دارند که از پشت بامها بر روی مردم شلیک می کرده اند و اعلام داشت که همه این اسناد را در اختیار عموم قرار خواهیم داد. با وجود چنین برنامه های خرابکارانه، طبیعی است که دولت نتواند بسادگی به آن پاسخ دهد، اما با وجود همه اینها دولت عراق توانست این بزرگترین کوشش امریکا را که بعد از آنهمه اقدامات دولت عبدالمهدی علیه امریکا و به نفع چین و روسیه و... / و همچنین رابطه تنگاتنگی که دولت عراق با ایران دارد، موفق شد آن را خاموش نماید، به طور عمده این تظاهرات برنامه ریزی شده و خطرناک، به توسط مردم عراق و همکاریشان با دولت و در زیر رهبری مذهبی کنترل شد و دولت به فوریت با هماهنگی با مرجعیت برنامه هائی را تنظیم نمود که به نظر می رسد بسیار مؤثر خواهد بود. در این تظاهرات عده زیادی بیگانه کشته و زخمی شدند، اما دشمنان ملت عراق نتوانستند سیاست بی دولتی و هرج و مرج را بر عراق تحمیل کنند و باید منتظر اقدامات عملی دولت در روزهای آینده بود.

نهم اکتوبر ۲۰۱۹

یادداشت:

تاریخ جنبشهای آزادیبخش علیه استعمار در تمام اعصار گواه بر آن بوده است که استقلال کشورها و آزادی ملل، شب فردای وحدت خلل ناپذیر مردم آن بوده است. این امر که در عراق آغاز قرن بیست حین حمایت شهریان فلوجه از شهریان نجف و حدود ۹۰ سال بعد از آن در قرن ۲۱ حین حمایت شهریان نجف از شهریان فلوجه خود را متبازل ساخت و در هر دو مورد مردم عراق را بر متجاوزان و اشغالگران پیروز گردانید به وضاحت نشان داد که در کشورهائی با ساختارهای قومی، زبانی، نژادی و مذهبی چندگانه، پروژه استعمار را فقط زمانی می توان به خاک مالید که مجموع باشندگان آن سرزمین با عبور و پشت سر گذاشتن افتراقات مذهبی، قومی و زبانی چون مشتی واحد بر فرق اشغالگران فرود آیند.

ما هم اگر خواسته باشیم- که می خواهیم- دیواستعمار را از کشور ما بیرون رانیم باید در گام نخست بکوشیم تا در جهت ایجاد وحدت آهین مردم سراسر افغانستان گام گذاریم، در آنصورت یقیناً موفق خواهیم شد تا ننگ مستعمره بودن را از دامن پاک میهن مان بزدانیم.

اداره پورتال AA-AA